

بررسی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران؛ مطالعه میدانی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۶

علی سلیم^۱

دکتر محمد رضا رضوی^۲

دکتر رضا رادفر^۳

دکتر فرهاد غفاری^۴

چکیده

تحقیقات انجام شده در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عموماً بر دو موضوع عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیرات سرمایه‌گذاری خارجی بر اقتصاد میزبان متمرکز بوده است. این مقاله بر موضوع اول یعنی عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران معطوف می‌باشد و این سوال را مدنظر قرار می‌دهد که انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی از سرمایه‌گذاری در ایران چه بوده است؟ این پژوهش در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ انجام شده و جامعه آماری آن شرکت‌های در دسترس سرمایه‌گذار خارجی در ایران می‌باشد. روش تحقیق آمیخته بوده و ابتدا عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از بررسی ادبیات پژوهش و مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان موضوع در ایران شناسایی گردید. سپس جهت رتبه‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از تجزیه و تحلیل آماری و آزمون فریدمن استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه طراحی و پس از اعتبارسنجی، برای شرکت‌های در دسترس سرمایه‌گذار خارجی در ایران ارسال گردید. نتیجه تجزیه و تحلیل آماری نشان می‌دهد که عامل دسترسی به بازار با اختلاف رتبه قابل توجهی نسبت به سایر عوامل، در جایگاه نخست قرار دارد. بعد از آن سه عامل دسترسی به مواد اولیه، دسترسی به بازار منطقه از طریق ایران و دسترسی به نیروی کار متخصص مهمترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌باشند. این نتایج تا حدودی منطبق با الگوی کشورهای جنوبی آمریکای لاتین می‌باشد که FDI در آنها "در جستجوی منابع طبیعی" و "در جستجوی بازار" می‌باشد. ورود FDI با چنین انگیزه‌هایی منجر به ارتباط ناکافی بنگاه‌های چندملیتی با اقتصاد محلی و عدم شکل‌گیری سرریزهای تکنولوژی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عوامل تعیین‌کننده، انگیزه شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران.

۱. دانشجوی دکتری رشته مدیریت تکنولوژی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران نویسنده عهده دار

مکاتبات salim.ali13@gmail.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد،

۳. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد،

۴. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد،

۱- مقدمه

از دهه ۱۹۹۰ میلادی همزمان با جهانی شدن اقتصاد و در پی آن کاهش هزینه‌های حمل و نقل و تقسیم چرخه تولید در میان کشورها، فرصت‌های مناسبی برای کشورهای در حال توسعه در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تجارت فراهم شد. در این ارتباط میزان باز بودن اقتصاد یک موضوع چالشی در مباحث توسعه بوده است و این موضوع در کشورهای در حال توسعه در ارتباط مستقیم با سرمایه‌گذاری خارجی و ورود کالاهای خارجی مطرح می‌شود [11]. تحقیقات انجام شده در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ عموماً دو سوال اصلی را مدنظر قرار می‌دهند. سوال اول بر دلایل حضور سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای دیگر^۲ و سوال دوم بر تاثیرات سرمایه‌گذاری خارجی بر اقتصاد میزبان متمرکز می‌باشد. این مقاله بر جنبه اول مطالعات مرتبط با FDI متمرکز می‌باشد. دلایل متعددی برای حضور شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران در کشورهایی غیر از کشور مبدا وجود دارد و تئوری‌های متفاوتی برای تحلیل آن ارائه شده است. مهم‌ترین دیدگاه نظری در ارتباط با عوامل تعیین‌کننده دیدگاه دانینگ می‌باشد. پارادایم وی، چهار استراتژی عمده را برای شرکت‌های چندملیتی در زمینه تعیین‌کننده‌های FDI مطرح کرد: جستجوی مواد اولیه، جستجوی بازار، جستجوی کارائی و جستجوی دارائی‌های استراتژیک [12].

ایران نیز به لحاظ موقعیت جغرافیایی، برخورداری از منابع طبیعی، و موقعیت استراتژیک، بیش از ۱۵۰ سال است که تجربه همکاری با سرمایه‌های خارجی دولتی و خصوصی را داشته و همچنین در استراتژی توسعه خود در قالب برنامه پنجم توسعه، سرمایه خارجی را به عنوان یک منبع مهم در نظر گرفته و برآوردهای کارشناسی حاکی از آنست که بالغ بر ۳۰ درصد از سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری مورد نیاز طی این برنامه، می‌باید از منابع خارجی تامین شود که ترجیحاً وجه غالب آن به صورت FDI^۳ مورد نظر است. این به معنی آنست که طی برنامه پنجم، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مقیاس سالانه ۴۰-۳۰ میلیارد دلار باید در دستور کار قرار گیرد. با وجود اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی به لحاظ سابقه تاریخی و همچنین به عنوان منبع مهم توسعه اقتصادی، جنبه‌های مبهمی از عوامل تعیین‌کننده FDI در ایران باقی مانده است. به بیان دیگر لازم است مطالعه شود: (۱) چه عواملی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور موثر بوده و با به عبارتی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در جستجوی چه

بوده است؟ بر این اساس ابتدا به مرور ادبیات مرتبط با عوامل تعیین کننده FDI پرداخته، سپس تاریخچه ای مختصر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ارائه شده، در ادامه مدل مفهومی و متغیرهای مقاله تبیین می‌گردد. در بخش بعد روابط مورد بررسی مورد آزمون آماری قرار گرفته و اولویت بندی از عوامل تعیین کننده FDI در ایران ارائه می‌شود.

۲- بررسی پیشینه پژوهش: عوامل تعیین کننده FDI

چرا بنگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری به خارج از مرزهای خود می‌روند؟ چرا آنها تصمیم می‌گیرند در مکان‌های خاصی سرمایه‌گذاری کنند؟ مرور نظریه‌ها برای پاسخ به این سوالات در چارچوب ادبیات عوامل تعیین کننده FDI قرار می‌گیرد. نظریه‌های شکل گرفته در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی عموماً به دنبال آن بودند که دلایل و عوامل تعیین کننده جریان سرمایه در سطح بین‌المللی را در شرایط بازار کامل توضیح دهند. اولین تلاش‌ها برای توضیح این موضوع "نظریه نرخ‌های بازدهی متفاوت"^۴ بود که در اواخر دهه ۱۹۵۰، هنگامی که سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در صنایع اروپا به شدت افزایش یافت، مطرح گردید. این نظریه استدلال می‌کند که سرمایه به جایی می‌رود که نرخ بالاتری از بازگشت سرمایه داشته باشد. هرچند طی دهه ۱۹۶۰، با وجودی که نرخ بازدهی برای شرکت‌های آمریکایی در اروپا کم‌تر از آمریکا بود، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در اروپا ادامه داشت. لذا در توضیح این موضوع "نظریه ایجاد تنوع در مجموعه دارایی‌ها" مطرح شد. این نظریه، کاهش ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری را به عنوان دلیل جریان سرمایه مطرح کرد و استدلال نمود تنوع سرمایه‌گذاری یک شرکت در بازارهای متعدد، ریسک‌های شرکت را کاهش می‌دهد. در ادامه "نظریه تولید و اندازه بازار" شکل گرفت که حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورها را با اندازه بازار آنها مرتبط می‌دانست. به عبارت دیگر هر چه اندازه بازار کشور میزبان بزرگتر باشد، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن بیشتر خواهد بود [18].

در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی نظریات بعدی از جمله نظریه "چرخه حیات محصول ورنون"، "نظریه سازمان صنعتی‌هایمر" و "نظریه التقاطی دانینگ" توجه به این دلایل را با کنار گذاشتن فرض بازار کامل بررسی کرده و رفتار بنگاه‌های چندملیتی را با در نظر داشتن پیچیدگی‌های بازارهای ناقص توضیح دادند. در این میان به ویژه تئوری دانینگ چارچوب نظری جامعی را

برای تحلیل رفتار شرکت‌های چندملیتی ارائه کرد. این نظریه در توضیح عوامل تعیین کننده FDI، یکپارچه کننده نظریاتی شد که ویژگی‌های جریان سرمایه از کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه و سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در آنها را توضیح می‌دهند [18]. نظریه التقاطی دانینگ (۱۹۸۱) یکی از مهمترین دیدگاه‌هایی است که جهت تحلیل عوامل تعیین کننده FDI و دلایل حضور MNCها در کشورهای مختلف ارائه شد. در این رویکرد شرکت‌ها زمانی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی می‌آورند که مزیت‌های سه گانه مالکیت^۵، موقعیت مکانی^۶ و درونی‌سازی^۷ وجود داشته باشد. به عقیده دانینگ، شرایط سه گانه مذکور جزء شرایط ضروری تحقق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تلقی می‌شوند ولی شرایط کافی نیستند. مزیت اول به این معنی است که هر شرکت باید از دارایی‌های خاص و منحصر به فردی که آن را بر سایر رقبایش برتری می‌بخشد برخوردار باشد. در مورد مزیت دوم دانینگ استدلال می‌کند که هر شرکت باید از مزیت انحصار تولید در یک کشور خارجی خاص برخوردار باشد، به نحوی که سرمایه‌گذاری از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به صدور محصول، برای شرکت سودآورتر باشد و بالاخره اینکه مزیت سوم به این معنی است که یک شرکت بایستی دارایی‌های خود را به جای انتقال به بیرون بنگاه از طریق انعقاد قرارداد و اعطای لیسانس، در داخل شرکت، درونی‌سازی کند [13]. براین اساس دانینگ دیدگاه خود را جهت تحلیل رفتار استراتژیک شرکت‌های چندملیتی در گسترش فعالیت‌هایش در عرصه جهانی ارائه کرد. پارادایم اکلکتیک وی چهار استراتژی عمده را برای این بنگاه‌ها در زمینه عوامل تعیین کننده FDI مطرح کرد که شامل موارد ذیل می‌شود: جستجوی مواد اولیه، جستجوی بازار، جستجوی کارائی و جستجوی دارائی‌های استراتژیک. پارادایم دانینگ چارچوب تحلیلی را برای نظریه‌های بعدی فراهم آورد تا دلائل و ویژگی‌های FDI در کشورهای در حال توسعه تحلیل کنند [15]. از جمله تحقیقات انجام گرفته می‌توان به عوامل دیگری که بر فرایند تصمیم‌گیری شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد اشاره کرد که توسط محققین مختلف صورت گرفته است. عواملی از جمله رشد اقتصادی [29]، رشد بازار، مشابهت‌های فرهنگی، فاصله میان کشور مقصد و مبدأ [19]، مشوق‌های ارائه شده توسط دولت [23]، هزینه‌های اطلاعات [10] و موافقنامه‌های دوجانبه میان دولت‌ها [10] اشاره نمود.

در مطالعات انجام شده در ایران در ارتباط با انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی می‌توان به مطالعه داوودی و شهرمادی (۱۳۸۳) اشاره کرد. در این مطالعه به بررسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و ۴۶ کشور جهان طی دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۰ پرداخته شده است. هدف این مطالعه این است تا از طریق شناسایی عوامل موثر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مقایسه نتایج بدست آمده از ۴۷ کشور مورد مطالعه، به بررسی نقش متغیرهایی نظیر کیفیت بروکراسی، سطح فساد، سطح سرمایه انسانی و دسترسی به نیروی کار ماهر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و در نهایت به ایده‌ای سیاستی در مورد اقتصاد ایران دست یابد و به این سؤال پاسخ دهد که چه عواملی باعث شده تا سهم ایران از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایین باشد. نتیجه مطالعه با استفاده از یک سیستم معادلات همزمان نشان می‌دهد که توجه به زیرساخت‌های قانونی، تشویق و تقویت سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی، توجه به کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، توجه به کارایی، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار و اقداماتی در جهت افزایش ثبات سیاسی کشور می‌تواند به جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور کمک کند [2].

درگاهی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: درس‌هایی برای اقتصاد ایران» در صدد است تا با نگاهی بر عملکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد جهانی و با شناسایی الزامات و پیش شرط‌های اولیه برای جذب FDI^۱، به ارائه راهکارهای لازم به منظور تقویت چارچوب سیاست‌گذاری، نهادی و قانونی جذب FDI در اقتصاد ایران بپردازد. از نظر وی الزامات اولیه کشور میزبان در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارتند از: اندازه بازار، درجه توسعه اقتصادی و سرمایه انسانی کشور میزبان، آزاد سازی اقتصادی، امنیت اقتصادی، ریسک سرمایه‌گذاری، قوانین کشور میزبان، توسعه بازارهای مالی، تجارت، نرخ ارز و نظام‌های ارزی و سیاست‌های مالیاتی [۱].

علیزاده (۱۳۹۰) به مطالعه اثر عوامل نهادی (با تاکید بر نهادهای حاکمیتی) بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۶ پرداخته است. وی با اشاره به نقش نهادها در تعیین عملکرد بلند مدت اقتصادی، یکی از عوامل مهم در تفاوت درآمد سرانه، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عملکرد اقتصادی کشورها را عوامل نهادی دانسته و این فرضیه را مطرح می‌کند که نهادهای کارا و مطلوب امکان تخصیص بهینه منابع، افزایش

سرمایه‌گذاری، شکل‌گیری فعالیت‌های مولد اقتصادی و بهبود عملکرد اقتصادی را فراهم می‌کنند و تحقق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معلول برقراری شاخص‌های مطلوب حاکمیتی است. شاخص‌های حاکمیتی ارائه شده در این مطالعه شامل موارد ذیل می‌باشد: حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت، اثر بخشی دولت، بازیابی مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد [7].

شاه‌آبادی و محمودی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران» عوامل موثر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۲ مورد بررسی قرار داده‌اند. مطالعه آن‌ها در صدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که چرا سهم ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار ناچیز است. برای پاسخ به این سؤال نقش متغیرهایی همچون نرخ بازگشت سرمایه، بازبودن اقتصاد، سرمایه‌انسانی، نرخ رشد حقیقی اقتصاد، نرخ مالیات، نرخ تورم، زیربنای اقتصادی، منابع طبیعی در دسترس، حقوق سیاسی، بدهی‌های خارجی، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و اندازه بازار در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: الف) منابع طبیعی موجود، سرمایه‌انسانی و زیرساخت‌ها به صورت مستقیم و معنی‌دار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران موثرند؛ ب) متغیر حقوق سیاسی به صورت معکوس و معنی‌دار و عامل بازبودن اقتصاد تأثیر مثبت و بی‌معنی و عامل نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر منفی و بی‌معنی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران دارند [6].

سایر مطالعات صورت گرفته در ایران در حوزه عوامل تعیین‌کننده FDI می‌توان به مطالعه فطرس و امامی (۱۳۹۰) اشاره کرد که به بررسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۷ در ایران پرداخته و با توجه به اهمیت و نقش حقوق مالکیت فکری در رشد اقتصادی، حمایت از حقوق مالکیت فکری به عنوان بخشی از عوامل حمایتی - تشویقی موثر بر جریان سرمایه‌گذاری خارجی به شمار می‌آید و می‌تواند موجب تداوم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان شود [8]. رضایی، مهدی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با نام «عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع ایران»، به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌پردازد. در این مطالعه ضمن اشاره به نظریه تقاطعی دانینگ، به عنوان مهم‌ترین نظریه مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به شروط لازم برای

انجام سرمایه‌گذاری از سوی یک بنگاه خارجی در کشور میزبان از جمله مزیت رقابتی بنگاه خارجی، اشاره شده است [4].

مزینی و مراد حاصل (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بازشناسی عوامل موثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» تلاش نموده‌اند تا با هدف دستیابی به تصویری واحد و قابل تعمیم از عوامل موثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، این عوامل را به صورت بین‌کشوری و در قالب سه گروه از کشورها با سطوح درآمدی متفاوت طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۸ بررسی نمایند. در این مطالعه جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابعی از ساختار مالیاتی، ساختار بازار ارزی، درجه بازبودن اقتصاد، سهم صادرات تکنولوژیک، سهم یارانه‌ها و حمایت‌های دولتی، وضعیت بازار مالی، نسبت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری و آزادی اقتصادی در نظر گرفته شده است [9].

در مطالعات انجام شده در ارتباط با سرمایه‌گذاری خارجی در ایران عمدتاً به پنج گروه متغیرهای محیطی (از جمله محیط اقتصاد کلان، رشد اقتصادی، بدهی‌های خارجی، تورم، فضای کسب و کار و ریسک سیاسی و اقتصادی)، قیمتی (از جمله نرخ ارز، نظام ارزی، تورم، نرخ‌های مالیاتی و سطح دستمزد نیروی کار)، ساختاری (از جمله زیرساخت‌ها، کیفیت بروکراسی، وضعیت بازارهای مالی و میزان توسعه آن‌ها، آزادسازی حساب سرمایه، آزادسازی اقتصادی و تجاری، وضعیت بهره‌وری نیروی کار، نسبت مخارج دولت به GDP)، نهادی (حقوق مالکیت معنوی و فیزیکی، قوانین کشور میزبان، وضعیت حقوق سیاسی، حاکمیت قانون، وضعیت حکمرانی، میزان و درجه کنترل آن و وضعیت سرمایه‌های اجتماعی) و منابع تولید (از جمله سرمایه انسانی، منابع طبیعی و سرمایه انباشته شده داخلی) به عنوان عوامل تاثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته شده است. نکته قابل توجه اینکه همه این مطالعات علل کندی رشد و پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را معرفی می‌کنند و هیچ یک این سوال را پاسخ نمی‌دهند که انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی از سرمایه‌گذاری در ایران چه بوده است؟ هر یک این مطالعات ضمن آنکه عوامل مختلفی را تاثیرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران معرفی می‌کنند اما هیچ اولویت‌بندی از این عوامل ارائه نمی‌کنند. این در حالی است که در این مطالعه ابتدا عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از منظر انگیزه سرمایه‌گذار خارجی از بررسی ادبیات پژوهش

و مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان موضوع در ایران شناسایی گردید. سپس برای اولین بار در ایران با روش تمام شماری برای شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران پرسشنامه ارسال شده و انگیزه‌های آنها از سرمایه‌گذاری در ایران مورد پرسش قرار گرفته است. با توجه به پیشینه پژوهش و انجام مصاحبه با خبرگان، ۱۳ عامل (انگیزه) شامل: دسترسی به مواد اولیه، دسترسی به بازار ایران، دسترسی به نیروی کار ارزان، دسترسی نیروی کار ماهر، دسترسی به بازار منطقه از طریق ایران، دسترسی به زیرساخت، مشوق‌های دولت، پایداری سیاسی، پایداری اقتصادی، ارتباط با شرکای تجاری ایرانی، قراردادهای دوجانبه میان دولت‌ها، مشابهت‌های فرهنگی و حضور رقبای بین‌المللی در ایران به عنوان عوامل تعیین‌کننده FDI در ایران شناسایی شده است که از طریق تجزیه و تحلیل آماری رتبه بندی می‌گردند.

۳- مروری بر تاریخچه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

۳-۱- سرمایه‌گذاری خارجی در ایران قبل از انقلاب اسلامی

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از اواخر سده نوزدهم آغاز گردیده است. بهره برداری از منابع طبیعی در قالب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران و بهره برداری از شیلات شمال از اولین اقدامات در این زمینه بوده است. با تصویب قانون ثبت کشور در سال ۱۳۱۰ و قانون تجارت در ۱۳۱۱، نوعی از سرمایه‌گذاری خارجی به صورت خصوصی در کشور آغاز گردید که خارج از حوزه امتیازات اعطایی دولتی بود. بعد از سال ۱۳۳۰ همراه با ملی شدن صنعت نفت، شرکت‌های خارجی به دلیل ترس از ملی شدن، از به ثبت رساندن شرکت‌های خود در ایران امتناع ورزیدند. از این رو پس از کودتا و در اواخر سال ۱۳۳۴ قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی (LAPFI) جهت تشویق و ایجاد ضمانت برای سرمایه‌گذاران خارجی تصویب گردید. در همان سال عملکردها حکایت از آن دارد که تعداد ۳۱ شرکت خارجی در داخل کشور به ثبت رسیدند.^۹ طی سال‌های اجرای برنامه دوم عمرانی (۴۱-۱۳۳۴) سرمایه خارجی قابل توجهی وارد کشور شد. اعمال سیاست درهای باز در اواسط برنامه دوم عمرانی، موجب ورود هرچه بیشتر کالا به بازار گردید و با توجه به افزایش قابل توجه تقاضا در بازارهای داخلی، سرمایه‌گذاران خارجی نیز برای ایجاد جای پا در این بازار، نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم در کشور متمایل شدند.

سال‌های اولیه دهه ۱۳۴۰ که همزمان با آغاز برنامه سوم عمرانی نیز بود، مصادف با ادامه رکود ناشی از بحران ۱۳۳۹ در بیشتر فعالیت‌های کشور شد. علیرغم رکود نسبی حاکم بر اقتصاد ایران طی سال‌های اولیه برنامه سوم، به علت شکل‌گیری طبقه متوسط و بالا رفتن میانگین درآمد سرانه، تقاضا در بازارهای مختلف به شدت رشد یافت و سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های باقیمانده برنامه سوم نیز افزایش قابل‌اعتنایی را شاهد بود به نحوی که کل سرمایه‌گذاری خارجی طی برنامه سوم، برابر ۱۹۷۱ میلیون ریال گردید. همانند دوره قبل عمدتاً این سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع مصرفی بادوام، مصالح ساختمانی، داروسازی انجام می‌شد و تدریجاً صنایع شیمیایی و فلزی نیز به این لیست اضافه شد [3]. به تدریج که قدرت خرید مصرف‌کنندگان افزایش می‌یافت سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در کشور نیز رو به فزونی بود. طی سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۰ که عمدتاً بر برنامه پنجم عمرانی منطبق بود، جمعاً مبلغ ۳۶/۳ میلیارد ریال سرمایه خارجی جذب شد که تقریباً معادل ۴۸۰ میلیون دلار می‌باشد [5].

با شتاب گرفتن رونق اقتصادی، فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشت. در سال ۱۳۵۳ جمعاً ۱۶۲ شرکت خارجی در بخش صنعت ایران فعال بودند [5].

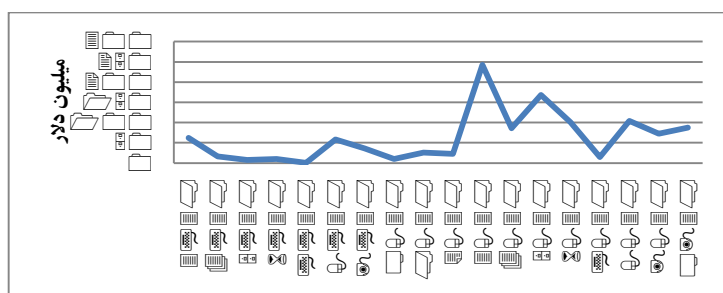
اتفاق مهمی که طی برنامه عمرانی پنجم صورت گرفت، ایجاد نهاد متولی سرمایه‌گذاری در کشور می‌باشد. اساسنامه سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران در سال ۱۳۵۴ به تصویب رسید که وظایف سه‌گانه آن در ایران، تنظیم و انجام امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های ایران در خارج از کشور، و تنظیم امور مربوط به اعطا و دریافت وام‌ها، بوده است.^۱

۲-۳- سرمایه‌گذاری خارجی در ایران پس از انقلاب اسلامی

با شروع انقلاب و مسائل بعد از آن روند سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران معکوس شد. ملی شدن صنایع و بانکها و تفسیر قانون اساسی به زیان سرمایه‌گذاری خارجی و محدود شدن فعالیت‌های بخش خصوصی، بعلاوه شرایط اقتصاد جنگی و سیاست‌گذاری‌های ناپایدار، جو نامناسبی برای سرمایه‌گذاری و خصوصاً سرمایه‌گذاری خارجی بوجود آوردند. در سال ۱۳۷۲ با تصویب قانون اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی تحولی در نگرش نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی به شکل قانونی نمود پیدا کرد. بعلاوه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی خصوصی در قالب قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی نیز از سال ۱۳۷۲ مجدداً فعال شد [5].

بعد از انقلاب تا مدتها مسائل مختلف از جمله جنگ و برخوردهای سیاسی و تا حدی نامشخص بودن سیاستهای اقتصادی بلند مدت کشور مانع از جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود. اما از سال ۱۳۷۲ رویکرد نسبتاً روشنی در برنامه‌های جذب سرمایه خارجی ایجاد شد [۵]. پذیرش مجدد سرمایه‌گذاری‌های خارجی بعد از یک دوره توقف طولانی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، عملاً از نیمه دوم سال ۱۳۷۲ آغاز شد. این تحول در پی تصویب قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مبنی بر امکان پذیرش سرمایه‌گذاری‌های خارجی به استناد بند هـ تبصره ۲۲ قانون برنامه دوم صورت گرفت، لیکن در ابتدای امر با توجه به شرایط اقتصادی، تنشهای ارزی و بویژه تعبیر متفاوتی که از اصل ۸۱ قانون اساسی می‌شد، توفیق چندانی در جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشور به دست نیامد [۵]. نمودار زیر میانگین سرمایه مصوب^{۱۱} طرح‌های پوششی^{۱۲} سرمایه‌گذاری خارجی از سال ۱۳۷۳ تا کنون را نشان می‌دهد.

نمودار(۱). میانگین سرمایه مصوب طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی (۱۳۷۳ تا کنون)
(میلیون دلار)



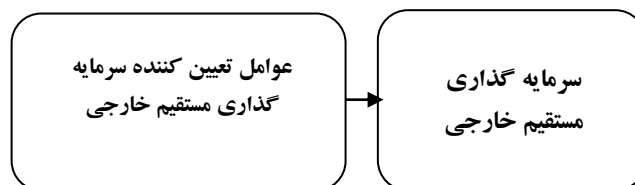
منبع: سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران
نمودار زیر میانگین سرمایه مصوب طرح‌های پوششی سرمایه‌گذاری خارجی از سال ۱۳۷۳ تا کنون را نشان می‌دهد. فرض آنست که هر چه سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان بیشتری از فضا و امنیت سرمایه‌گذاری در کشور داشته باشند، حاضرند پروژه‌های بزرگتری را پیشنهاد کرده و تدریجاً آنها را اجرا کنند. قانون فیفا اواخر سال ۱۳۸۰ به تصویب رسیده و قاعدتاً انتظار می‌رود یکی دو سال بعد از آن آثار خود را نشان دهد. حتی در صورتی که ارقام سال ۱۳۸۳ را که نشانگر تصویب ۲۸ طرح با جمع سرمایه‌گذاری مصوب ۶/۸ میلیارد دلار می‌باشد کنار بگذاریم (به دلیل ملاحظاتی نسبت به واقعی بودن یکی از طرحها)، می‌توان تفاوت محسوسی را در

مورد میانگین سرمایه‌گذاری در هر طرح مصوب مشاهده کرد. متوسط میزان سرمایه مصوب هر طرح پوششی سرمایه‌گذاری خارجی تا قبل از سال ۱۳۸۳ (سال تاثیر قانون فیپا) نزدیک به ۲۵ میلیون دلار بوده است. این میزان از سال ۱۳۸۴ تا کنون (با حذف سال ۱۳۸۳)، نزدیک به ۹۳ میلیون دلار می‌باشد که نشان دهنده تاثیر مثبت قانون فیپا در افزایش رغبت سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگتر در کشور می‌باشد. هرچند از سال ۱۳۸۴ شیب کاهنده را برای میزان متوسط سرمایه مصوب هر طرح شاهدیم.

مرور تاریخچه فوق ضرورت این پژوهش را روشن می‌سازد که با وجود سابقه ۱۵۰ ساله سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، انگیزه‌های سرمایه‌گذار و عوامل تعیین کننده آن مشخص نمی‌باشد و پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. در ادامه به معرفی مدل مفهومی پژوهش و متغیرهای آن پرداخته می‌شود.

۴- مدل مفهومی و متغیرهای پژوهش

چه عواملی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور موثر بوده و با به عبارتی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در جستجوی چه بوده است؟ نمودار زیر مدل مفهومی مقاله را بر اساس سوالات فوق نشان می‌دهد:



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش

در این مدل، متغیر مستقل عوامل تعیین کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و متغیر وابسته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد. جدول زیر متغیرها و شاخص‌های اندازه‌گیری متغیرها را نشان می‌دهد. شناسایی عوامل تعیین کننده FDI از طریق مطالعات نظری و همچنین مصاحبه با خبرگان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شامل مدیران عامل شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران عضو انجمن سرمایه‌گذاری خارجی اتاق بازرگانی ایران، مدیران و کارشناسان سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران و اساتید دانشگاه در حوزه

سرمایه‌گذاری خارجی احصا شده است. شاخص سرمایه‌واره یک شاخص کمی بوده و از داده‌های موجود در پایگاه‌های داده معتبر استخراج شده و شاخص‌های مرتبط با عوامل تعیین‌کننده کیفی بوده و از طریق پرسشنامه اندازه‌گیری شده است.

جدول ۱: متغیرها و شاخص‌های تحقیق

شاخص	متغیر
- حجم سرمایه‌واره	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
دسترسی به مواد اولیه [12]	عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
دسترسی به بازار [12]	
دسترسی به نیروی کار ارزان [21]	
دسترسی نیروی کار ماهر [21]	
دسترسی به بازار منطقه از طریق ایران	
دسترسی به زیرساخت	
مشوق‌های دولت [23]	
پایداری سیاسی [30]	
پایداری اقتصادی [30]	
ارتباط با شرکای تجاری ایرانی	
قراردادهای دوجانبه میان دولت‌ها	
مشابهت‌های فرهنگی [19]	
حضور رقبای بین‌المللی در ایران	

۵- روش شناسی پژوهش

هدف اصلی این مطالعه، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (انگیزه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران) می‌باشد. جهت شناسایی این عوامل از مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با خبرگان موضوع شامل: دسته اول کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در اتاق بازرگانی ایران که متشکل از شرکت‌های سرمایه‌پذیر خارجی از صنایع مختلف می‌باشد. دسته دوم کارشناسان و مدیران سازمان سرمایه‌گذاری خارجی، دسته سوم شامل خبرگان و اساتید دانشگاهی حوزه‌های FDI و آمار، استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه پرسشنامه می‌باشد. پس از طراحی سوالات، پرسشنامه از لحاظ آماری و محتوایی اعتبارسنجی شد. قابلیت اعتماد پرسشنامه یا پایایی در ارتباط با این

موضوع است که ابزار اندازه‌گیری در شرایط متفاوت تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. ضریب قابلیت اعتماد نشانگر آن است که تا چه اندازه ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های با ثبات آزمونی و یا ویژگی‌های متغیر آن را می‌سنجد. در این تحقیق جهت تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش برای تعیین هماهنگی درونی یک ابزار اندازه‌گیری به ویژه آزمونی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود. در پژوهش‌های علوم انسانی ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشان دهنده پایایی مناسب می‌باشد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر ۰/۷۰۱ محاسبه شده است که نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه می‌باشد.

اعتبار یا روایی به این موضوع اشاره دارد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه‌های موردنظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت حاصل از آن اطمینان داشت. اعتبار پرسشنامه پژوهش به روش اعتبار محتوا تعیین شده است. اعتبار محتوا نوعی اعتبار است که معمولاً برای بررسی اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه‌گیری به کار برده می‌شود. اعتبار محتوا عموماً توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. از این رو اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد. جهت بررسی اعتبار، پرسشنامه برای سه دسته از خبرگان موضوع پژوهش ارسال گردید. دسته اول کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در اتاق بازرگانی ایران که متشکل از شرکت‌های سرمایه‌پذیر خارجی از صنایع مختلف می‌باشد. دسته دوم کارشناسان و مدیران سازمان سرمایه‌گذاری خارجی، دسته سوم اساتید دانشگاه در حوزه FDI و آمار بوده است. پس از دریافت بازخور از هر سه دسته خبرگان و انجام اصلاحات توسط محقق، روایی پرسشنامه به لحاظ محتوایی و آماری مورد تایید قرار گرفت.

جهت تعیین نمونه در دسترس مورد نظر در این پژوهش، لیست شرکت‌های سرمایه‌پذیر خارجی که در بازار ایران فعال می‌باشند از سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های اقتصادی و فنی سازمان دریافت گردید. مجموع این شرکت‌ها نمونه در دسترس مطالعه را تشکیل می‌دهند. جهت اخذ اطلاعات اکثر شرکت‌های سرمایه‌پذیر و به منظور بالا بردن نرخ بازگشت، پرسشنامه به صورت انگلیسی برای شرکت‌های در دسترس سرمایه‌گذار خارجی در ایران شامل ۱۷۹ شرکت ارسال گردید که این تعداد، نمونه در دسترس مطالعه را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش جهت دستیابی به بالاترین میزان نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها از روش "کل شماری" استفاده شده است. بر این اساس تعداد نمونه بدست آمده از عملیات میدانی توزیع و گردآوری پرسشنامه ۱۰۰ عدد بوده است.

۶- تجزیه و تحلیل آماری

جهت تجزیه و تحلیل آماری، ۱۳ فرضیه در ارتباط با عوامل تعیین کننده FDI در ایران تدوین گردید. بر اساس این فرضیه‌ها، پرسشنامه‌ای طراحی شده و پس از بررسی روایی و پایایی این ابزار اندازه‌گیری، برای کلیه شرکت‌های سرمایه‌گذار فعال در ایران (شامل ۱۷۹ شرکت در صنایع مختلف ایران) ارسال گردید که از این میان ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل شده گردآوری گردید که این تعداد نمونه مشاهده شده پژوهش را تشکیل می‌دهند. بر این اساس فرضیات پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد آزمون قرار گرفته است. جهت تعیین اولویت عوامل تاثیرگذار بر FDI در ایران، از آزمون فریدمن استفاده شده است. جدول زیر نتایج آزمون آماری فریدمن در ارتباط با اولویت عوامل تعیین کننده (تاثیرگذار بر) FDI در ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۲: رتبه بندی عوامل تعیین کننده (انگیزه‌های) سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بر اساس آزمون فریدمن

اولویت عوامل	عوامل تعیین کننده	میانگین رتبه ^{۱۳}
۱	دسترسی به بازار	۹/۶۷
۲	دسترسی به مواد اولیه	۸/۰۴
۳	دسترسی به بازار منطقه از طریق ایران	۸/۰۴
۴	دسترسی به نیروی کار متخصص	۸/۰۴
۵	ارتباط با شرکاء تجاری در ایران	۷/۷۷
۶	حضور رقبا در بازار ایران	۷/۲۳
۷	دسترسی به نیروی کار ارزان	۷/۲۳
۸	مشوق‌های دولت	۶/۶۹
۹	قراردادهای دوجانبه میان دولت‌ها	۶/۱۵
۱۰	پایداری اقتصادی ایران	۵/۸۸
۱۱	مشابتهای فرهنگی	۵/۸۸
۱۲	پایداری سیاسی در ایران	۵/۳۳
۱۳	زیرساخت‌های فیزیکی برای سرمایه‌گذاری	۵/۰۶
کای اسکویر		
۴۷/۹۲۳		
درجه آزادی		
۱۲		
سطح احتمال آماره کای اسکویر (سطح معنی داری)		
۰/۰۰		

تحلیل آماری نشان می‌دهد که عامل دسترسی به بازار با اختلاف رتبه قابل توجهی نسبت به سایر عوامل، در جایگاه نخست قرار دارد. بعد از آن سه عامل دسترسی به مواد اولیه، دسترسی به بازار منطقه از طریق ایران و دسترسی به نیروی کار متخصص مهمترین عوامل تاثیرگذار بر

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌باشند. همانطور که پیشتر اشاره گردید تحقیقات انجام شده در ایران عموماً در ارتباط با عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران متمرکز بوده و انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی بررسی نکرده‌اند. هر چند در برخی از این تحقیقات عواملی از جمله مواد اولیه، بازار و نیروی کار به عنوان عوامل تاثیرگذار شناسایی شده است. یکی دیگر از نتایج بدست در این پژوهش رتبه پایین دو عامل مشوق‌های دولت و زیرساخت‌های فیزیکی برای سرمایه‌گذار خارجی می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که سیاستگذاری دولت به لحاظ تشویق سرمایه‌گذاری و اقدامات صورت گرفته در تامین زیرساخت‌های فیزیکی جذب سرمایه‌گذاری در وضعیت مطلوبی نبوده و لذا به عنوان عامل و انگیزه مهمی برای سرمایه‌گذار خارجی به حساب نمی‌آید. به عبارتی بازار ایران و همچنین منابع طبیعی مهم‌ترین انگیزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران بوده به نحوی که مشوق‌های دولت و زیرساخت‌های فیزیکی برای سرمایه‌گذاری از اهمیت بالایی برخوردار نیست.

۷- نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در جستجوی چیست؟ نتیجه تجزیه و تحلیل آماری در ارتباط با انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیانگر آنست که دسترسی به بازار مهم‌ترین انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی در ایران می‌باشد. تطبیق این نتایج آزمون فریدمن با دیدگاه دانینگ، موید این واقعیت است که سرمایه‌گذاران خارجی عموماً در جستجوی بازار در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. بررسی میانگین رتبه آزمون فریدمن نشان می‌دهد که اختلاف اولویت عامل بازار با دیگر عوامل، قابل توجه می‌باشد که این موضوع نشان دهنده اهمیت بالای انگیزه جستجوی بازار نسبت به سایر انگیزه‌ها است. نکته قابل توجه دیگر اینکه، جستجوی منابع نیز از جمله عوامل اولویت دار تعیین کننده FDI در ایران بوده است. این نکته با توجه به اینکه تعداد شرکت‌های منبع محور (مانند شرکت‌های پتروشیمی) در نمونه گردآوری شده محدود بوده‌اند و همچنین شرکت‌های نفتی در نمونه نبوده‌اند، قابل توجه است. چراکه با وجود محدود بودن این دسته شرکت‌ها در نمونه آماری، بازهم توجه به منابع اولیه در ایران در میان اولویت‌های سرمایه‌گذاری در ایران جایگاه بالایی دارد. این موضوع تا حدودی منطبق با الگوی کشورهای جنوبی آمریکای لاتین می‌باشد که FDI در آنها "در جستجوی منابع طبیعی" و "در جستجوی بازار" بود. ورود FDI با چنین انگیزه‌هایی منجر به ارتباط ناکافی بنگاه‌های چندملیتی با اقتصاد محلی و عدم شکل‌گیری سرریزهای تکنولوژی

مرتبط می‌شود. این موضوع در ارتباط با ایران دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشد. در الگوی آمریکای لاتین، شرکت‌های بزرگ چندملیتی با هدف دستیابی به بازار این منطقه و آمریکا وارد این کشورها شده‌اند که تاثیرات قابل توجهی بر افزایش صادرات این کشورها داشته است [16]. این در حالی است که شرکت‌های وارد شده به ایران عموماً چندملیتی‌های معظم نبوده و قابلیت افزایش صادرات و اشتغال‌زایی را در مقایسه با چندملیتی‌های وارد شده به آمریکای لاتین نداشته‌اند.

بنابراین FDI وارد شده به ایران عموماً در جستجوی بازار بوده، و در صورت عدم اجرای سیاست‌های مناسب سوی دولت نه تنها امکان بهره‌مندی از پتانسیل‌های بالقوه FDI شامل اشتغال‌زایی، صادرات و فواید سرریز (ایجاد پیوند با اقتصاد محلی) میسر نمی‌شود بلکه موجب محدود یا شلوغ شدن فضای فعالیت^{۱۴} برای سرمایه و بنگاه‌های داخلی نیز می‌گردد [23]. توجه به نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان می‌دهد که علاوه بر چهار عامل اصلی، پایداری اقتصادی و مشوق‌های دولت نیز بر تصمیم به FDI در ایران موثر است. این موضوع نیز نشان‌دهنده اهمیت نقش دولت بر تصمیم به FDI در ایران می‌باشد. دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌های مناسب (مانند طراحی مشوق‌های مناسب) امکان بهره‌مندی از سایر مزایای FDI مانند صادرات، اشتغال‌زایی و سرریز تکنولوژی را فراهم کند. تجربه کشورهایی مانند چین نشان می‌دهد که FDI در این کشور به دنبال بازار و نیروی کار متخصص و ارزان وارد شد. اما دولت چین توانسته است با اجرای سیاست‌های مناسب مزایای صادرات و سرریز تکنولوژی را برای کشور به همراه آورد. به این ترتیب ایران با بهره‌مندی از ویژگی‌هایی از جمله منابع اولیه غنی، بازار داخلی قابل توجه، پتانسیل پایگاه دسترسی به بازار منطقه و نیروی کار متخصص و... همواره مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی بوده است، اما در صورت فقدان سیاست‌های فعالانه دولت نمی‌تواند ضمن برخورداری از مزایای اولیه FDI (به عنوان منبع تامین سرمایه) از مزایای دیگر شامل افزایش صادرات و سرریز تکنولوژی برخوردار شود.

منابع

۱. درگاهی، حسن، عوامل موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: درس‌هایی برای اقتصاد ایران، ۱۳۸۵.
۲. داوودی، پرویز و شهرمادی، اکبر، بررسی عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، ۱۳۸۳.

۳. رحمانی، فریده، جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹.
۴. رضایی، مهدی، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع ایران، ۱۳۸۸.
۵. سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، طرح ساماندهی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، گزارش پنجم جلد سوم، ۱۳۹۲.
۶. شاه‌آبادی، ابوالفضل، محمودی، عبدالله، تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، ۱۳۸۵.
۷. علیزاده، سعیده، مطالعه اثر عوامل نهادی (با تاکید بر نهادهای حاکمیتی) بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۶ در ایران، رساله کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰.
۸. فطرس، محمد حسن، امامی، معصومه، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۷، ۱۳۹۰.
۹. مزینی، مراد، بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ۱۳۸۹.
10. Abid, F., Bahloul, S. (2010) Selected MENA countries' attractiveness to G7 investors.
11. Chadha, R. (2009). IN INDIA AND ITS GROWTH LINKAGES. New Delhi: Natioanl Council of Applied Economice Reaserch.
12. Denisia, Vintila. (2010). Foreign Direct Investment Theories: An Overview of the Main FDI Theories. European Journal of Interdisciplinary Studies, No. 3
13. Dunning, J. (1988). Location and The multinational Enterprise : A Neglected Factor. Journal of International Business Studies.
14. De Santis, R., & Stahler, F. (2004). Endogenous Market Structures and the Gains from Foreign Direct Investment. Journal of International Economics.
15. ECLAC. (2009). Foreign Direct Investment in Latin America and the Caribbean. Briefing paper, United Nations.
16. Gallagher, K. and D. Chudnovsky. (2009). Rethinking Foreign Investment for Sustainable Development: Lessons from Latin America. 1st Edn., Anthem Press, New York.
17. Girma, S. (2005). Safeguarding Jobs? Acquisition FDI and Employment Dynamics in U.K. Manufacturing. Review of World Economics 141: 165-178.
18. Glauco, D., & Kevin, L. (2004). Foreign Direct Investment and Its Determinants, A look at the past , A view to the future. In Foreign Investment in developing countries, by H.S.Kehal. London : Palgrave , Macmillon ltd.
19. Goldberg,, M. (1972) The Determinants of US Direct Foreign Investment in the EEC:Comment, American Economic Review 62, 692-699.
20. Goldberg, L., and Klein, M. (1999) International Trade and Factor Mobility: An Empirical Investigation. National Bureau of Economic Research, No. w7196.
21. Helpman, E., & Krugman, P. (1985). Market Structures and Foreign Trade. MIT Press, Cambridge.

22. Klein, M. C. (2001). Foreign Direct Investment. Washington D.C: The World Bank.
23. Kokko, A., Blomström, M. (1997) Regional integration and foreign direct investment, Working Paper Series in Economics and Finance No. 172
24. Lall, S., & Narula. (2004). FDI and its role in economic development: Do we need a new agenda? *The European Journal of Development Research* , 447-464.
25. Lall, S., & Narula. (2006) Understanding FDI-assisted development, Routledge: London
26. Marin, A., & Giuliani, E. (2008). Heterogeneous Subsidiaries And Spillover Effects: The Role Of MNCs Global Linkages And Innovativeness;. Proceedings of 25th Celebration Conference on Entrepreneurship and Innovation – Organizations, Institutions, Systems a and Regions, Copenhagen, CBS, June. Denmark.
27. Ozawa, Terutomo. (2011), The (Japan-born) ‘Flying-Geese’ Theory of Economic Development Revisited—and Reformulated from a Structuralist Perspective, *Global Policy* (forthcoming).
28. Sargent, J., Matthews, L. (2006) China vs. Mexico in the Global EPZ Industry: Maquiladoras, FDI Quality and Plant Mortality. University of Texas Pan American, Department of Management, Marketing, and International Business
29. Scaperlanda, A., and Mauer, L. (1969) The determinants of US direct investment in the 35 EEC, *The American Economic Review*, vol. 59, no. 4, September, pp. 558–568.
30. Stiglitz, Jozeph. (2000), Capital Market Liberalization, Economic Growth and Instability, *World Development*, Vol28: 6, PP.1070

یادداشت

۱. Foreign direct investment: FDI
۲. FDI determinants
۳. Foreign Direct Investment
۴. The theory of exchange rates on imperfect capital markets
۵. Ownership
۶. Location
۷. Internalization
۸. Foreign Direct Investment (FDI)

۹. گزارش توجیهی و ضرورت اصلاح ساختار تشکیلات سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران
۱۰. اساسنامه سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران
۱۱. منظور از سرمایه مصوب، میزان سرمایه گذاری می باشد که با تصویب هیات سرمایه گذاری از سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران مجوز سرمایه گذاری در کشور را دریافت کرده باشد. میزان سرمایه گذاری انجام شده در کشور تحت عنوان سرمایه وارده می باشد.

۱۲. منظور از طرح‌های پوششی، طرح‌های تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (فیفا) می‌باشد.

۱۳. Mean Rank

۱۴. Crowd out